

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸۷/۱/۱۰۰۸۰۱

۸۷/۱۰/۱۵

دانشکده معماری و شهرسازی  
گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای

پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای

برنامه ریزی مشارکتی در تجدید حیات بافت فرسوده

Public participation in urban decay regeneration

نمونه موردی: محله شهناز (آیت الله غفاری) بندرعباس

استاد: آقای دکتر شریف زادگان

دانشجو: سید مجید شجاعی برهان

۱۳۸۶

کتابخانه اساتید دانشگاه  
شهرسازی

۶- ۱۳۸۷ / ۱۰ / ۱۰

۹۳۷۳۵

### فصل اول: کلیات

۲	بیان موضوع
۳	ضرورت طرح موضوع
۵	نمونه موردی
۵	اهداف تحقیق
۵	پیش فرض تحقیق
۶	سوالات تحقیق
۶	روش تحقیق

### فصل دوم: مبانی نظری

۸	۱-۲ مشارکت
۸	۱-۱-۲ مفهوم مشارکت
۹	۲-۱-۲ رفتار شناسی مشارکت
۱۴	۳-۱-۲ روش شناسی مشارکت
۱۶	۲-۲ برنامه ریزی مشارکتی
۱۶	۱-۲-۲ فرایند برنامه ریزی
۲۷	۲-۲-۲ برنامه ریزی مشارکت مردمی
۴۲	۳-۲ تجدید حیات شهری
۴۲	۱-۳-۲ تعریف افت یا محرومیت شهری
۴۴	۲-۳-۲ مرور پیشینه تجدید حیات شهری
۴۷	۳-۳-۲ تعریف تجدید حیات شهری
۴۷	۴-۲-۲ سیر تحول
۴۷	۵-۲-۲ ویژگیهای تجدید حیات
۴۸	۶-۲-۲ تفکر راهبردی در سیاست تجدید حیات
۵۰	۷-۲-۲ فرایند تجدید حیات
۵۳	۸-۲-۲ بررسی ابعاد تجدید حیات
۵۷	۹-۲-۲ جمع بندی رهیافت تجدید حیات
۵۸	۳-۲ بررسی تجربیات جهانی

### فصل سوم: شناخت وضع موجود

۷۲	مقدمه
۷۴	۱-۳ حوزه راهبردی
۷۷	۲-۳ حوزه محلی

۷۷.....	۱-۲-۳ تدوین چشم انداز محله.....
۷۷.....	۲-۲-۳ شناخت محله.....
۷۸.....	۱-۲-۲-۳ شناخت پیشینه و جایگاه محله در شهر.....
۷۸.....	۲-۲-۲-۳ ویژگیهای حوزه بلا فصل و موثر بر محله.....
۸۴.....	۳-۲-۲-۳ ساختار اقتصادی- اجتماعی ساکنان محدوده.....
۸۸.....	۴-۲-۲-۳ شناخت ساختار فضایی و بلوک شهری با تاکید بر فضاهاى عمومی.....
۹۱.....	۵-۲-۲-۳ بررسی دانه بندی و مشخصات کالبدی بافت محدوده.....
۹۷.....	۶-۲-۲-۳ بررسی امکانات و خدمات عمومی و رفاهی موجود.....
۱۰۰.....	۷-۲-۲-۳ بررسی اقتصادی و شناخت توان ساکنان و شاغلان در فرایند بهسازی و نوسازی بافت.....
۱۰۵.....	۸-۲-۲-۳ جمع بندی.....

#### فصل چهارم: تحلیل و ارزیابی

۱۱۰.....	مقدمه.....
۱۲۶.....	۱-۴ تحلیل ویژگیهای جمعیتی و اجتماعی.....
۱۲۷.....	۲-۴ تحلیل ویژگیهای اقتصادی.....
۱۲۷.....	۳-۴ تحلیل ویژگیهای کاربری.....
۱۲۸.....	۴-۴ تحلیل ویژگیهای کالبدی.....
۱۲۹.....	۵-۴ جمع بندی.....

#### فصل پنجم: پیشنهادات

۱۳۱.....	مقدمه.....
۱۳۳.....	۱-۵ اهداف.....
۱۳۹.....	۲-۵ برنامه ها.....

#### پیوستها

۱۵۰.....	پیوست ۱: پرسشنامه.....
۱۵۵.....	منابع و ماخذ.....

فصل اول: کلیات

## ۱-۱- بیان موضوع

فرسودگی شهری<sup>۱</sup> متروکی بیش از موقع یا زودرس، خرابی کالبدی و رو به زوال گذاشتن یا وجود کمبودهایی در ابنیه و محیط اطراف آن می‌باشد آنچه تحت عنوان فرسودگی یا افت شهری مطرح شده دارای سه بعد اصلی است. ۱) افت اقتصادی<sup>۲</sup> ۲) فرسودگی مسکونی<sup>۳</sup> ۳) تنزل مرتبه محیطی<sup>۴</sup> امروزه بسیاری از شهرهای دنیا به دلایل متعدد دارای انواع مختلف فرسودگی شهری (کالبدی - محیطی - اقتصادی) می‌باشند و مطالعه و جستجوی علل این فرسودگیها منجر به تحلیل روابط پیچیده علل مختلف ریشه‌ای فرسودگی شهری یعنی علل اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

مسأله فرسودگی شهری در بسیاری از کشورهای دنیا مورد توجه قرار گرفته و بسته به نوع فرسودگی توسط دولتهای محلی تمهیداتی از قبیل: توسعه مجدد<sup>۵</sup> - تخریب و نوسازی<sup>۶</sup> و توان بخشی یا احیاء<sup>۷</sup> اصلاح و یا نگه داشت اتخاذ گردیده است که این اقدامات همه به منظور تجدید حیات این گونه فضاها صورت پذیرفته است. ریشه تفکر تجدید حیات شهری تابعی از پاسخ حکومت به اثرات و پیامدهای نابرابری شرایط سکونت خانواددهای با درآمد پایین و اهداف و سیاستهای مربوط به حداقل شرایط زیستی قابل قبول در جامعه بوده است.

کشورهای مختلف دنیا در برخورد و مواجهه با فرسودگی شهری راهکارهای مختلفی را اختیار نموده‌اند که اتخاذ این راهکارها که نتایج مختلفی را نیز موجب شده است. در طول سالیان و از حدود دهه ۸۰ میلادی بسیاری از سیاستهای تجدید حیات شهری به جای درمان علایم فرسودگی شهری مانند مسکن با شرایط غیراستاندارد، به تاکید بیشتر بر حل مشکلات نواحی درونی شهرها که ریشه در اقتصاد شهری دارند و ضرورت مشارکت شهروندان ساکن نواحی فرسوده در فرآیند تجدید حیات شهری پرداخته‌اند.

علت این تغییرها عدم توفیق بسیاری از برنامه‌ها بدون مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اجرا و افزایش افت اقتصادی و فرسودگی مسکونی در نقاط مورد برنامه‌ریزی بوده است. مشارکت مورد نیاز در این مقوله مشارکتی همه‌جانبه است. مشارکتی با درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که

1. Urban decay

2. Economic decline

3. Housing decay

4. Environmental degradation

5. Redevelopment

6. Reconstruction

7. Rehabilitation

آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند و طیف گسترده‌ای از اقدامات را از برنامه‌ریزی تا اجرا در برمی‌گیرد. با توجه به کم سابقه بودن مبحث تجدید حیات شهری در ایران و همچنین نوپایی استفاده از رویکرد مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی در کشور ایران بخصوص در تجدید حیات شهری موضوع این پژوهش به عنوان فوق می‌پردازد.

### ۲-۱- ضرورت طرح موضوع

سیر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ۵۰ سال اخیر ایران و همچنین سیاستها و برنامه‌های ناهمگون توسعه در یک دوره زمانی کوتاه سبب رشد فزاینده جمعیت شهری به دلیل مهاجرت از روستا به شهر گردیده است. در سال ۱۳۰۰ تنها ۲۸٪ جمعیت کشور شهرنشین بوده‌اند اما طی دو دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۴۵ و همچنین ۱۳۶۵-۱۳۵۵ رشد جمعیت شهری به بالاترین میزان خود رسیده و باعث برتری نسبت جمعیت شهری به جمعیت روستایی گردیده است. علل این افزایش در فاصله سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ در ایران با انجام اصلاحات ارضی، ایجاد برخی صنایع بزرگ در کناره شهرها، حجیم شدن دولت، توسعه شبکه بانکی و تمرکز سرمایه‌های کلان در اکثر شهرهای بزرگ و بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری در روستا و رفع مشکلات روستاییان در قبل از انقلاب بوده است در دوره پس از انقلاب بدلیل عدم رویارویی قاطع با عوامل برهم زننده تعادل در افزایش منطقی و موزون جمعیت شهری و روستایی در کشور، رشد جمعیت شهری همچنان ادامه یافته است.

این مهاجرت سبب گسترش بی‌رویه شهرها - و عدم توان جمعیت مهاجر در جذب در سیستم اقتصادی شهر و رو آوردن به مشاغل کاذب همچنین عدم توان اقتصاد شهرها برای جذب نیروی کار به دلایل مازاد عرضه بر تقاضا و در نتیجه افزایش فقر در شهرهای بزرگ گردیده است. پدیده فقر، سبب ناتوانی شهر از ارائه مسکن و سایر خدمات شهری مناسب به مهاجرین گردیده و آنان را ناگزیر به سمت اسکان در زاغه‌ها و زمینهای پست و ارزان شهری چه در حاشیه شهرها و چه در بطن و مرکز شهر سوق داده است.

این مسأله در اکثر شهرهای بزرگ کشور مشاهده می‌گردد. هجوم مهاجرین علاوه بر آنکه افراد جذب نشده در سیستم اقتصادی شهری را راهی زاغه کرده سبب بروز ناهنجاریهای اجتماعی فرهنگی - گسترش شغلای کاذب و فقر و فساد گشته است.

با گذشت زمان بدلیل استاندارد نبودن مسکن احداث شده - نبود زیرساختار و همچنین عدم کیفیت، فرسودگی در ابعاد مختلف فیزیکی، محیطی و همچنین اقتصادی چه در حاشیه و چه در مرکز شهر اتفاق

افتاده است. که ضرورت دخالت برنامه‌ریزی شده در این قسمت‌ها را ایجاب می‌نماید. وجود فقر و فرسودگی در حاشیه و مرکز شهرها (slums) سبب جدایی و فضایی این نواحی از شهرها و افزایش نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی و فساد و فحشاء می‌گردد. همچنین نداشتن مسکن با استانداردهای لازم بهنگام وقوع هرگونه حادثه احتمالی سبب خسارات و تلفات جبران‌ناشدنی می‌گردد. در بسیاری از شهرها فضاهایی که بافتهای فرسوده اشغال کرده‌اند به لحاظ موقعیت اقتصادی در زمره بارزترین زمینها هستند که آزادسازی آنان و اختصاص کاربریهای با سوددهی بیشتر به این فضاها برای شهر بسیار سودمند است.

حل مشکل فرسودگی نقاط مختلف شهری در سالهای اخیر همواره در زمره بحث‌انگیزترین مسایل شهری عنوان شده است و در کشورهای مختلف رویارویی با این معضل با روشهای مختلفی صورت گرفته است که بسیاری از آنان بدلیل عدم مشارکت مردم در دو قسمت برنامه‌ریزی و اجرا با توفیق چندانی همراه نبوده‌اند. این مشکل سبب رویکرد برنامه‌ریزان از ابتدای دهه ۹۰ میلادی به گونه‌ای از برنامه‌ریزی با نام برنامه‌ریزی مشارکتی<sup>۸</sup> گردیده است. و متخصصان علم برنامه‌ریزی قالبهای مختلفی برای برنامه‌ریزی مشارکتی و مشارکت هرچه بیشتر طراحی نموده‌اند در کشور ما اگرچه مشارکت در قالبهای تعاون همکاری، همیاری مفهومی با سابقه است. اما این کلمه با مفهوم جدید آن در جامعه ما نهادینه نشده است. بنابراین به موازات رشد شهرنشینی و دگرگونیهای اقتصادی اجتماعی، سیاسی فرهنگی در فرآیند زندگی اجتماعی ضرورت مشارکت گسترده و فراگیر شهروندان بر ابعاد گوناگون زندگی احساس می‌گردد. که یکی از ابزارهای مهم این پژوهش برای رفع مسایل ذکر شده استفاده از مشارکت شهروندان می‌باشد.

---

<sup>8</sup> - Participatory planning



### ۳-۱- نمونه موردی

محلۀ آیت اله غفاری در تقسیمات شهری بندرعباس، جزء منطقه ۲ محسوب می شود و مساحت آن در حدود ۵۰ هکتار می باشد. این محلۀ یکی از محله‌های قدیمی این شهر می باشد که بدلیل فرسودگی بالا و مسایل بسیار حاد اجتماعی مانند فقر و اعتیاد و فحشاء به عنوان نمونه موردی انتخاب گردیده است. شایان ذکر است برای بهسازی این محلۀ از طرف بانک جهانی بودجه‌ای در نظر گرفته شده است. خیابان های جمهوری اسلامی (کمربندی) در شمال، امیرکبیر در شرق، بلوار ناصر در جنوب و مدرس (خورگورسوزان) در غرب، محدوده آن را مشخص می کند و چهار راه شهید محمدی در تقاطع امیرکبیر و جمهوری اسلامی از تقاطع های مهم آن می باشد. شکل این بلوک شهری بزرگ مانند یک چند ضلعی نامنظم است که بلندترین ضلع آن در امتداد خیابان مدرس ۸۳۰ متر طول و کوچکترین ضلع آن در خیابان امیرکبیر ۳۸۰ متر طول دارد و ضلع خیابان جمهوری اسلامی ۷۵۰ متر طول و ضلع بلوار ناصر ۴۱۰ متر طول دارد.

### ۴-۱- اهداف تحقیق

اهداف این پژوهش در سرفصلهای زیر طبقه‌بندی می گردد که هیچ یک اولویتی بر دیگری ندارد:

الف: تجدید حیات بافت فرسوده محلۀ؛

ب: استفاده از رویکرد مشارکت مردمی و برنامه‌ریزی مشارکتی در تجدید حیات

ج: طراحی یک ساز و کار مناسب برای اتخاذ این رویکرد در محلۀ آیت اله غفاری بندرعباس

### ۵-۱- پیش فرض تحقیق

رویکرد برنامه‌ریزی با مردم (برنامه‌ریزی مشارکتی) و تدبیری مناسب برای حل معضلات بافت‌های

فرسوده شهری و تجدید حیات این بافتها می باشد.

### ۱-۶- سوالات تحقیق

چگونه میتوان بافت فرسوده محله آیت الله غفاری را با مشارکت فعال مردم و برنامه ریزی مشارکتی تجدید حیات نمود؟

### ۱-۷- روش تحقیق

برای دستیابی به اهداف ذکر شده، روش تحقیق در دو بخش مطرح می‌شود :

#### ۱- روش توصیفی - تحلیلی :

در این روش پس از مشخص نمودن سرفصلها به جمع‌آوری اطلاعات و نظریات مختلف پیرامون موضوع تحقیق پرداخته سپس مطالب را طبقه بندی و تجزیه و تحلیل کرده و آنها را در سرفصلهای مربوطه قرار داده و در نهایت هر فصل را جمع‌بندی کرده و از نتایج آن اصولی جهت رسیدن به روش برخورد با مراکز تاریخی شهرها استخراج می‌شود.

#### ۲- روش تحلیلی - تطبیقی

در ادامه مراحل بالا و با بهره‌گیری از اصول عمومی ارائه شده و با تکیه بر خلاقیت فردی می‌توان به سرنخهایی جهت انتخاب شیوه خاص دخالت در بافت نمونه موردی دست یافت. سپس آن اصول و روشها را با شرایط منطقه و بافت خاص و مشکلات و امکانات آن تطبیق داده و یا از ترکیب اصول ارائه شده می‌توان پایه و اصول نظری خاص پروژه را بیان نمود.

## فصل دوم: مبانی نظری

## ۲-۱- مشارکت

## ۲-۱-۱- مفهوم و معنای مشارکت

معنای مشارکت (Participation): درگیری و تجمع برای منظوری خاص می باشد، مشارکت را به بیان دیگر می توان درگیری، فعالیت و تاثیر پذیری دانست.

با توجه به توضیحات بالا، در واقع مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی افراد در موقعیت های مختلف گروهی است که آنان را وادار می سازد برای رسیدن به هدفهای مشترک یکدیگر را یاری داده و در مسوولیت کار شریک گردند.

برای تبیین واژه مشارکت از سه عنصر اصلی استفاده گردید.

✓ درگیری ذهنی و عاطفی: انسانی که تصمیم به مشارکت می گیرد مشارکت برای او فقط جنبه فیزیکی نداشته و درگیری اصلی او روانی است و تنها به کوشش های بدنی خلاصه نمی گردد.

✓ یاری دادن: افراد در مشارکت وارد یک تعامل دو طرفه با مسوولین بالا دست می گردند و نقش اصلی را در انجام رساندن یک مساله به عهده دارند. با توجه به این نقش افراد احساس می نمایند که باید یاری دهنده باشند.

✓ پذیرش مسوولیت: افراد در مشارکت برانگیخته می شوند تا مسوولیت بپذیرند. در بیان دیگر مشارکت زمانی تحقق می یابد که بی تفاوتی و بی مسوولیت جای خود را به احساس وابستگی و مسوولیت بدهد. با توجه به مسایل بالا می توان اذعان نمود که پدید آمدن مشارکت نیازمند تحقق پاره ای از پیش نیازها است.

✓ مشارکت به سختی در زمان اضطرار و فوریت اتفاق می افتد. در واقع زمینه های مشارکت باید قبل از اقدام به آن فراهم شده باشد.

✓ فواید مشارکت باید به ضررهایش فزونی داشته باشد.

✓ موضوع مشارکت باید مشخص و مورد علاقه افراد باشد.

✓ افراد مشارکت کننده باید از توانایی های لازم نسبت به موضوع مشارکت برخوردار باشند.

- ✓ هیچ کدام از در طرف مشارکت کننده نباید احساس کنند که جایگاه در موقعیت او در خطر است.
- ✓ مشارکت هنگامی معنا دارد که افراد دارای امکان انتخاب و آزادی عمل باشند.

## ۲-۱-۲- رفتار شناسی مشارکت:

مشارکت به عنوان یک رفتار انسانی از رفتارهای صرفاً بازتابی متمایز گردیده و به جهت مشخصه های خود در زمره انواعی از رفتارها با نام کنش قرار می گیرد.

زیرا فرد مشارکت کنند در مقابل خواننده شدن، عکس العمل ناگهانی (بازتابی) نشان نداده و بین مرحله انگیزه و پاسخ و یا عمل و عکس العمل مرحله تفکر را قرار می دهد. پس مشارکت را با توجه به مشخصه های رفتاری آن، می توان کنش نامید.

رفتار کنشی براساس تعریف صاحب نظران مختلف به دو بخش کنش فردی و کنش اجتماعی تقسیم گردیده است که برای تمایز این دو، دو گونه دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاهی در مورد شناخت این تمایز معیارهای درونی و ذهنی را موثر دانسته اما دیدگاه دوم بیشتر بر معیارهای خارج از فرد و عینی و محیطی تکیه دارد.

اما برخلاف آنچه تصور می گردد این دو دیدگاه متضاد و غیرقابل جمع نیستند. بکله هر کدام مبتنی بر سنت فکری خاصی بوده و می توانند در نهایت به دو سنت مکمل تبدیل گردند. بسیاری از اندیشمندان این دو گونه تفکر را تلفیق کرده و چهار چوبی برای آن ساخته اند. بنابر تعریف ایشان کنش عبارت است از اخذ تصمیم ذهنی کنشگر درباره وسایل نیل به اهداف که همه آنها توسط باورها و شروط موقعیتی محدود شده اند.

با توجه به تعریف بالا کنش اجتماعی عبارتست از همه حالات فکری، احساسی و رفتاری که جهت گیری آنها براساس الگوهای جمعی شکل گرفته اند.

این تعریف به چند واقعیت مهم تاکید دارد.

- ۱ - رفتار افراد به صورت ناآگاهانه تحت تاثیر هنجارهایی است که به آن باور دارند.

۲- عمل و تفکر پسندیده در یک جامعه به شکل قواعد و هنجارها به فرد عمل کننده عرضه شده و او ناگزیر است برای قابل قبول شدن در جامعه از آنها الگوبرداری کند.

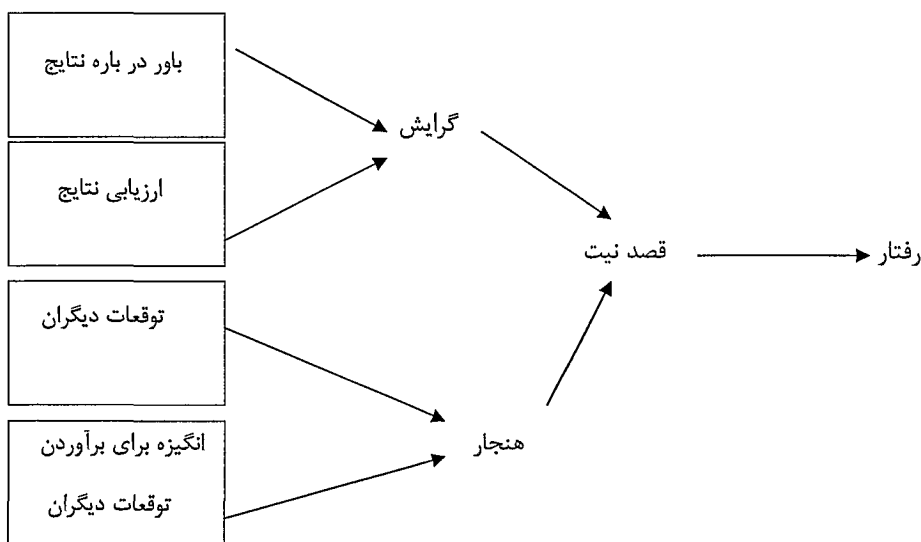
با توجه به مشخصه های رفتار مشارکتی و توضیحات بالا می توان مشارکت را کنشی/اجتماعی نامید. برای حصول و بوجود آمدن یک رفتار اگر تمایلات فرد (گرایشها) که ملهم از جامعه است و هنجارها هر دو در رابطه با یک رفتار مثبت باشند قصد به انجام آن رفتار افزایش خواهد یافت.

علت اصلی این مطلب را می توان در این نکته یافت که اکثر رفتارها به این دلیل صورت می پذیرند که مردم به آثار و نتایج رفتارشان فکر می کنند و برای حصول پاره ای از نتایج و یا پرهیز از برخی دیگر دست به اقدامی منطقی می زنند، این تفکر به نتایج اعمال در دو بخش شخصی و اجتماعی صورت می گیرد. عنصر شخصی یعنی گرایش به یک رفتار حاصل دو عامل است: ۱- باور شخص در مورد نتایج آن رفتار ۲- ارزیابی او از نتایج ممکن از انجام رفتار

اما عنصر اجتماعی این الگو یعنی هنجار ذهنی منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی یک شخص برای انجام یک رفتار است که این نیز حاصل دو عامل می باشد.

(۱) توقعات دیگران، رفتار خاص یک فرد از سوی سایر افراد مهم برای او چگونه ارزیابی می شوند.

(۲) انگیزه برای برآوردن توقعات دیگران، اهمیتی که فرد برای نظر مردم درباره رفتار خود قائل است.



- حال با توجه به تعریف مشارکت و قراردادن رفتار مشارکتی در زمره رفتارهای کنش اجتماعی با توجه به تعریف قبلی می توان عناصر موثر در شکل دهی به کنش مشارکت را مطابق عناوین ذیل فهرست نمود.
- ۱) اطلاعات فرد در مورد مشارکت: فرد باید اندک اطلاعات و دانشی در مورد یک پدیده یا رفتار داشته باشد تا نسبت به آن توجه نشان داده و احساسات مختلف در او بیدار گردد. او باید بداند مشارکت چیست؟ و در چه زمینه هایی می تواند صورت پذیرد.
  - ۲) تصور فرد از پیامدهای مشارکت: در اثر اقدام به مشارکت چه چیز حاصل می شود.
  - ۳) ارزیابی فرد از پیامدهای مشارکت: آیا پیامدی و نتایجی که حاصل از مشارکت است برای او ارزشمند است و آیا به این آثار علاقه ای دارد؟
  - ۴) تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت
  - ۵) انگیزه فرد برای بر آوردن توقعات دیگران
  - ۶) سوابق فرد در زمینه مشارکت، افرادی که دارای سابقه فعالیتی می باشند برای تکرار آن فعالیت از زمینه مساعدتری نسبت به سایر افراد برخوردارند.
  - ۷) ویژگیهای فردی: مانند سن، جنس، تحصیلات عوامل تعیین کننده برای تعیین میزان توانایی افراد در مشارکت در زمینه های خاص و یا چگونگی مشارکت افراد دارند.
- همانطور که ذکر گردید در صورت مساعد بودن همه موارد فوق قصد مشارکت در فرد پدید می آید. اما تنها قصد مشارکت برای اقدام به مشارکت کافی نیست و امکان مشارکت نیز باید برای افراد فراهم گردد.

### امکان مشارکت :

امکان مشارکت دو جنبهٔ مختلف را در بر می گیرد:

- ۱) جنبهٔ اجتماعی، نظام قانونی و نهادی جامعه و چهارچوبهای آن تعیین کنندهٔ امکان مشارکت افراد نهاده‌ها و در جامعه می باشد. به زبان ساده تر خواست و ارادهٔ نهادهای سیاسی و قانونی برای مشارکت مردم است که امکان مشارکت را برای آنها مساعد می نماید.
- ۲) جنبهٔ فردی ، عواملی مانند تحصیلات و امکانات و ... از عوامل برای امکان مشارکت افرادی باشند به طور مثال هنگامی مشارکت در تصمیم گیری در مورد موضوعی لازم است فرد باید از حداقل دانش و تحصیلات در مورد آن موضوع خاص بهره مند باشد.

### مشارکت سنتی :

این نوع مشارکت براساس عرف - عادت، سنت و مذهب پدید می آید و میان افراد جامعه به شکل خودجوش شکل می گیرد. این نوع مشارکت از دیرباز در میان مردم وجود داشته و نسل به نسل ادامه پیدا کرده است و در این نوع مشارکت هیچ سازمانی نقشی در هدایت و سازماندهی امور ندارد و انجام کلیه کارها بر عهده مردم است .

در ایران مشارکت سنتی از دیرباز وجود داشته و هنوز در بسیاری از شهر ها حیات دارد . این مشارکت کمتر در ساختار قدرت و مدیریت شهر ها و کشور ها بوده است .

اما درزمینه های مربوط به گذران زندگی عادی و تأمین خدمات ، وضعیت جغرافیایی ، ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران سبب پیدایش نهاد ها و سنت هایی شده است که بر محور همکاری و مشارکت مردم شکل گرفته است . این سنت ها در زمینه های مختلف کشاورزی - اجتماعی و اقتصادی وجود داشته است .

در ذیل به ذکر مثالهایی از انواع مشارکت سنتی می پردازیم :



## نمونه مشارکت در کشاورزی :

- کمک به کشاورزان به یکدیگر در شخم زنی ، پاشیدن بذر و جمع آوری محصول و جمع شدن کشاورزانی که کار آنها پایان یافته است در زمینهای دیگران به منظور برداشت سریعتر محصول .
- تامین امنیت آب و مشارکت در تامین آب و تقسیم آن .
- نظام آبیاری سنتی

## نمونه مشارکت در فعالیت های اقتصادی :

- ۱- بنه ها
- ۲- چرخ ريسان( در مورد عشایر ) : جمع شدن زنان روستا در کنار هم

## نمونه مشارکت در فعالیت های اجتماعی :

- مراسم عزاداری و جشن و شادی به مناسبت ایام مذهبی
  - ساختن مساجد و حسینیه
- انواع فعالیت های مشارکتی ذکر شده در قسمت قبل امروزه در شهر ها بدلیل تفاوت ماهیت شهر و نظام شهری با روستا به فراموشی سپرده شده است ولی پاره ای از این سنتها هنوز در روستاها جاری می باشد .

## مشارکت نوین :

امروزه جامعه ایران دارای بخش شهروندی گسترده ای است . این گستردگی حاصل تحولاتی است که در چند دهه اخیر در کشور صورت گرفته است و حاصل آن غلبه میزان شهر نشینی بر روستا نشینی است . سنتی که خود باید با تکیه به فرهنگ شهروندی پدید آید .

علی رغم آنکه در قوانین پیش بینی هایی برای مشارکت مردم صورت گرفته اما این مشارکت به صورت واقعی در مطابق آنچه امروزه در کشورهای پیشرو بوقوع پیوسته اتفاق نیافتاده است . هنوز طرح در جامعه شهری به طور کامل از سوی موسسات و مهندسان مشاور تهیه می شود و در شرح خدمات مرتبط به بسیاری از طرح ها - نظر خواهی از مردم و انعکاس آن در طرح و یا اجرای طرح بوسیله پتانسیل مردمی دیده نمی شود .

بدین سبب این پژوهش راهکار مشارکت به معنا و مفهوم نوین در دنیا را مد نظر قرار داده است .

## ۲-۱-۳- روش شناسی مشارکت:

## الف) هدف

برای مشارکت مردم (شهروندان) همیشه رویکردی واحد و قالبی متعارف وجود ندارد در اینجا مشارکت موضوعی خاص را مدنظر ندارد و هدف اصلی آن هر نوع برنامه با رویکرد مشارکت اجتماعی است. و بدنبال نشان دادن راهی سیستماتیک به هر طراحی برنامه مشارکت مردمی می باشد. و طراحان برنامه می توانند اصول و قالب ارائه شده را با شرایط انحصاری خود تطبیق دهند.

## ب) مشخصات اصلی برنامه های مشارکت مردمی با اثر بخشی بالا:

- ✓ داشتن تعریف شفاف و مشخص برای اینکه چه هدفی قرار است با مردم انجام شود.
- ✓ آیا در فرآیند تصمیم گیری مراحل به خوبی یکپارچه و پشت سر هم هستند؟
- ✓ درگیر کردن ذینفعان و علاقه مندان در تمام مراحل تصمیم گیری و نه فقط در مرحله آخر.
- ✓ فراهم کردن سطوح مختلف مشارکت بر حسب سطوح مختلف علاقه مندی مردم که نشاندهنده تنوع مشارکت می باشد.
- ✓ به حساب آوردن ذینفعان و اثر گذاران خارج و داخل سیستم به یک میزان.
- ✓ قرار دادن اهداف و تعیین آنان در محدوده علاقه مندی مردم به عنوان کسانی که در تصمیم اثرگذارند.
- استفاده و توجه به نکات بالا باعث بوجود آمدن یک برنامه کارا و مناسب می گردد. و ارزش یک برنامه مشارکت مردمی با رویکرد سیستماتیک را نشان می دهد.

## ج) مسوولیت برای ایجاد برنامه های مشارکت مردمی: (ضرورت مشارکت)

شخصی که مسوول تصمیم گیری است (مدیر برنامه یا پروژه) به بیان دیگر همزمان مسوول ایجاد و توسعه یک برنامه مشارکت مردمی می باشد. این فرد باید با متخصصان مشارکت مردمی در تماس و ارتباط باشد. و به کمک سایر پیمانکاران مشارکت مردمی را در پروژه ایجاد نماید. این افراد، به همراه هم تصمیم گیرنده در مورد برنامه و سایر اشخاصی هستند که قرار است در برنامه درگیر شوند.

د) شکل دادن یک تیم برنامه ریزی مشارکت مردمی:

ایجاد یک برنامه مشارکت مردمی به صورت عادی یک کار گروهی است. اما در پاره ای از مواقع یک نفر می تواند دارای مجموعه ای از اطلاعات مورد نیاز باشد.

اطلاعات مورد نیاز شامل موارد ذیل می باشد.

✓ چگونه تصمیم اخذ می گردد؟: (مراحل و جدول زمانی تصمیم گیری) و تصمیم گیرنده چه کسی است؟

✓ محدودیتهای سازمانی در تصمیم یا برنامه مشارکت مردمی

✓ نحوه اثر این تصمیم بر سایر طرحها و برنامه های موجود

✓ این تصمیم از چه موضوع و مشکلی شکل گرفته است؟

✓ تاریخچه این گونه موضوعات

✓ از میان مردم چه کسانی ذینفع و علاقه مند به تصمیم هستند.

✓ در این گونه جامعه خاص کدام رویکرد از مشارکت مردمی موثر می افتد.

✓ چگونه تکنیکهای مختلف مشارکت مردمی را استفاده و طراحی نماییم؟

در نظر گرفتن نگرانی های ذینفعان داخلی در برنامه بسیار مهم می باشد. زیرا ایجاد یک برنامه در واقع

فرصتی است برای:

۱) گرفتن عقاید و نظرات و تعهدات لازم برای سازمانهایی است که مایلند در برنامه مشارکت مردمی

شرکت داشته باشند.

۲) کار کردن با بخشهایی مختلف کسانی که دارای منفعت هستند (ذینفعان) و گرفتن نظرات آنان قبل

از مراجعه به مردم.

## ۲-۲- برنامه ریزی مشارکتی

## ۲-۲-۱- فرایند برنامه ریزی

وقوع سه مرحله از برنامه ریزی لازم است تا یک برنامه مشارکت مردمی موثر و کار آمد اتفاق بیافتد.

(۱) تحلیل تصمیم

(۲) برنامه مشارکت مردمی

(۳) برنامه اجرایی

## هدایت مرحله تحلیل تصمیم :

اولین مرحله برنامه (تحلیل تصمیم) خود در فرآیند و تصمیم گیری نقش بسیار مهمی دارد بویژه وقتی به طور خاص فعالیت های مشارکت در آن وجود داشته باشد. این مرحله به نوعی بیش شرطی برای وجود یک برنامه مشارکت مردمی خوب می باشد فرآیند تصمیم گیری باید برای مشارکت مردم ایجاد حساسیت نماید. در صورتی که برای فرآیند تحلیل تصمیم به صورت دقیق اندیشه و تفکر نگردد مشکلات ذیل می تواند حادث شود.

✓ تصمیمی و یا هدفی که برای مردم جذاب است ممکن است در فرآیند های مختلف تصمیم گیری پراکنده گردد به نحوی که مردم نتوانند اولویت اینکه در کدام برنامه شرکت نمایند را تشخیص دهند و یا فکر کنند باید در برنامه های بسیاری برای تاثیرگذاری بر یک تصمیم شرکت نمایند.

✓ ممکن است بین بخشهای مختلف تصمیم گیرنده توضیح و تبیین مشکل و فرآیند حل آن اختلاف نظرها و مخالفت هایی وجود داشته باشد.

✓ ممکن است فرآیند تصمیم گیری فقط یک انتخاب را به مردم بدهد؛ بله یا خیر

✓ ممکن است وقتی به مردم پیشنهاد مشارکت داده شود که تصمیم گرفته شده باشد.

✓ برنامه زمانبندی و فشار آن به برنامه ممکن است مشارکت را از بین ببرد.

در واقع تحلیل تصمیم مرحله ای از برنامه ریزی است که طراحی شده با خطر وقوع این مشکلات را

کاهش دهد.